مرتضی میردار

مبارزه به روایت سید احمد هوایی - ۳۴

ورود پزشک انجمن حجتیه‌ای به بیت امام(ره)

در موضوع نفوذی‌ها، یک روز دکتری مقداری دارو برای حضرت امام آورد. خیلی‌ها هم این دکتر را تأکید کرده بودند. واقعاً همهٔ اینها کار خدا بود. یک‌سری داروی گیاهی آورده بود. بعد از بروز بیماری قلبی امام و عارضه‌های دیگرشان، گفته بودند با این داروهای گیاهی خوب می‌شوند. دکتر جوانی بود. قرار بود بعد از سخنرانی امام پیش ایشان برود و امام را معاینه و مداوا کند. من در آنجا هرکسی هر چیزی که می‌آورد، بدون استثنا چک می‌کردم. شب و روز آنجا بودم. یک آقای روحانی بود که هرچند وقت یک‌بار یک ران گوشت مخصوص امام می‌آورد. او خودش گوشت را می‌آورد به من نشان می‌داد. از داخل بیت این بنده خدا را چهارمیخه تایید کرده بودند، ولی من وظیفهٔ خودم را انجام می‌دادم و رفتم دنبالش ببینم این آخوند کیست و از چه کسی گوشت می‌خرد و ذبحش چه‌جوری است. همهٔ این کارها را بدون اینکه به کسی بگویم، با اینکه وقتم هم پر بود، انجام می‌دادم که کسی نفهمد. اینکه می‌بینید خیلی از مطالب درز نکرده به این خاطر است. بدون اینکه خودش بفهمد، درباره‌اش تحقیق کردم و فهمیدم آدم متدین و درستی است. فکر می‌کنم از خواص درگاه الهی باشد و طی‌الارض هم می‌کند، چون او را خیلی جاها دیده‌ام.

چنین شخصیتی داشت. این بنده خدا گوشت می‌آورد. نان و شیر که می‌خواستند بگیرند، در اکثر جاها حواسم خیلی جمع بود که چه‌کسی کجا می‌رود. دو نفر را داشتیم که می‌رفتند نان می‌گرفتند، ولی مستقیم به خانهٔ امام نمی‌بردند و می‌آوردند در آشپزخانهٔ کوچکی که آنجا بود، می‌گذاشتند. بعد خانم خدمتکار منزل، که زن بسیار خوبی بود، می‌آمد و نان را زیر چادرش می‌گرفت و می‌برد. منظور این است که حتی این جزئیات را هم رعایت می‌کردیم. آقای صانعی هم خیلی با ما هماهنگ بود. به من گفت «آقا سید، این آقای دکتر آمده و می‌خواهد این داروها را برای امام ببرد و امام را مداوا کند.»[1] صبح بود که به من زنگ زدند و این موضوع که تاپ سکرت بود را به من گفتند: «این دکتر انجمن حجتیه‌ای است و معلوم هم نیست که می‌خواهد به امام چه بدهد.» شاید این تلفن نیم ساعت قبل از رفتن این دکتر پیش امام به من زده شد. من هم نمی‌توانستم بگویم نرود، چون آقای صانعی گفته بود که برود. من اصلاً نفهمیدم چه حالی شدم. آقای صانعی موقعی که امام صحبت می‌کردند، نمی‌آمد آنجا بنشیند. بیشتر آقای انصاری و بقیه می‌آمدند. آقای صانعی بیشتر در دفتر بود. دکتر هم آنجا نشسته بود. به هر ترفندی که بود آقای صانعی را از دفتر کشیدم بیرون و گفتم همین الان به من گزارش داده‌اند که این بابا مورد تأیید نیست.

آقای صانعی خیلی با ما هماهنگ بود. به من گفت «آقا سید، این آقای دکتر آمده و می‌خواهد این داروها را برای امام ببرد و امام را مداوا کند.» صبح بود که به من زنگ زدند و این موضوع که تاپ سکرت بود را به من گفتند: «این دکتر انجمن حجتیه‌ای است و معلوم هم نیست که می‌خواهد به امام چه بدهد.» شاید این تلفن نیم‌ساعت قبل از رفتن این دکتر پیش امام به من زده شد. من هم نمی‌توانستم بگویم نرود چون آقای صانعی گفته بود که برود. من اصلاً نفهمیدم چه حالی شدم.

آقای صانعی در آنجا برای خودش وزنه‌ای بود، ولی خدا شاهد است یک کلام بالای حرف من حرف نزد. پرسید: «حالا نظرت چیست؟» گفتم «نظرم این است که پیش امام نرود.» گفت: «خیلی خوب. نمی‌رود.» حالا همهٔ هماهنگی‌ها شده بود. خود حضرت امام می‌دانستند که او می‌خواهد بیاید. آقای انصاری و همه اعضای دفتر تا به حال کسی این موضوع را شکافته باشد. قرارمان هم همین بود کسی از موضوع باخبر نشود. از این موضوعات الی ماشاءالله داشتیم. آدم‌هایی هم به قول خودشان امام زمان(عج) را خواب دیده بودند و از ایشان برای امام پیام می‌آوردند که دیگر حد و حصر نداشت. خلاصه در آن یک سال و نیمی که در بیت بودیم، به‌رغم اینکه بهترین دورهٔ همهٔ عمرم بود، ولی خیلی پیر شدم.

پانوشت‌ها:

۱- من با کسی رودربایستی نداشتم و هر کسی که می‌آمد، نمی‌گذاشتم داخل برود. به همین دلیل هم، با آقایان مسئول، که الان هم سرکار هستند، و حتی گاهی با خود آقای صانعی دعوایم می‌شد. خلاصه به‌خاطر این حساسیت و دقت خیلی هم بَده شدیم، درحالی‌که در بین مسئولیت‌هایی که در سپاه داشتم، هیچ کدام مهم‌تر از حفاظت از بیت امام نبود و نخواهد بود. با این‌همه وقتی از آنجا بیرون آمدم، برای دستبوسی امام می‌رفتم، ولی برای سر زدن به کار سابقم نمی‌رفتم. چون همه ما را به چشم دیگری نگاه می‌کردند. من هم می‌گفتم: «باشد. خدا که می‌داند، من تلاش کردم وظیفه‌ام را انجام بدهم.»

۲- دکتر هادی منافی وزیر بهداشت دولت شهید باهنر و دولت نخست مهندس موسوی بوده است.

فهمیده بودند. گفت «حالا چه‌جوری ردش کنیم؟» گفتم «این دیگر مشکل شماست. من باید از نظر امنیتی حفاظتی کنترل می‌کردم که دارم می‌گویم مورد تأیید نیست و داروهایی هم که آورده مورد تایید نیستند. من نه پزشک هستم، نه در این زمینه تخصصی دارم. تا اینجای کار را بلدم که انجام دادم. بقیه‌اش با شما.» این را گفتم و آمدم بیرون. دوتا پست هم جلوی در منزل امام اضافه کردم و گفتم بدون اذن من، هیچ کسی حق ندارد داخل برود. امام داشتند صحبت می‌کردند و خدا می‌داند بر من داشت چه لحظاتی می‌گذشت. سخنرانی امام تمام شد. نمی‌دانم آقای صانعی چه ترفندی زد که توانست آن دکتر را رد کند.

من فقط دیدم دم در از من عذرخواهی کرد و گفت «آقای دکتر دارند تشریف می‌برند. قرار شد بعداً تشریف بیاورند. چون برای حضرت امام کاری پیش آمده.» من هم گفتم «به‌سلامت. در خدمت‌تان هستیم.» بعد که رفت، آقای صانعی از من پرسید: «قضیه از چه قرار بود؟» گفتم «یکی از رفقای ما که سرش توی این حساب‌هاست زنگ زد و گفت که این بابا مورد تأیید نیست.» آن روز گذشت و فردایش آقای صانعی مرا خواست و گفت، «دستت درد نکند. حدست درست بود. من از دکتر منافی[2] هم پرسیدم و حرف تو را تایید کرد.» گمان نمی‌کنم

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۱۰۸

وداع با حضرت امام(قدّس‌سرّه)

سید یاسر جبرائیلی

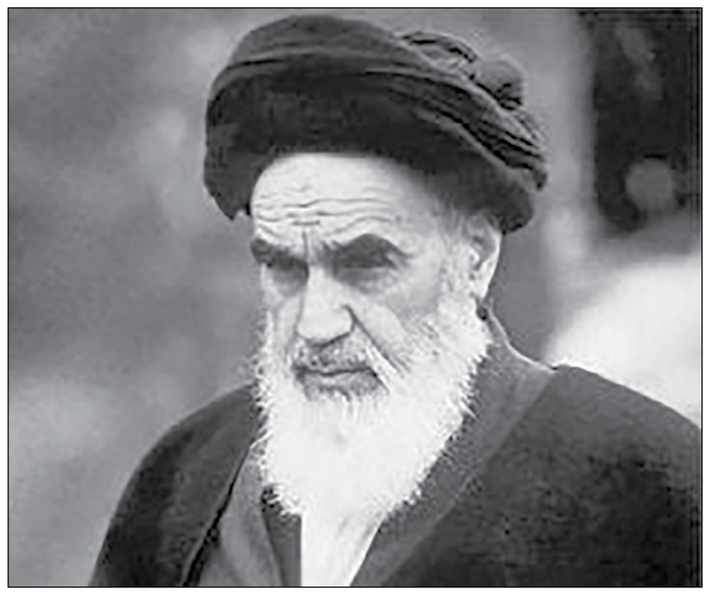

در یکی از روزها حاج احمد آقا به آیت‌الله خامنه‌ای و دیگر اعضای جلسه سران سه قوّه پیام داد که مسئله مهمّی در میان است و آنان را برای جلسه‌ای به بیت امام دعوت کرد. آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند: «حاج احمد آقا گفت بیایید، مسئله مهمّی است که درباره آن صحبت کنیم.»

رفتیم آنجا. دکترهای قلب که حول‌وحوش امام بودند - همین آقای دکتر عارفی و دیگر دکترهای ایشان - آمدند و گفتند وضع امام از لحاظ قلبی خوب نیست، و قلب ایشان خیلی نارسایی و کم‌کاری دارد و می‌شود قلب امام را احیاء کرد و مثلاً عمر زیادی به ایشان داد و بنابراین باید روی قلب ایشان عملی انجام بدهیم. ما آن شب جلسه طولانی‌ای نسبت به این قضیّه داشتیم.

دکترها بودند، ماها هم که آن زمان‌ها دور هم جمع می شدیم بودیم؛ من، آقای هاشمی، آقای موسوی اردبیلی و احتمالاً آقای مهندس موسوی. دکترها می‌گفتند اگر امام عمل نکند حدّاکثر شش ماه زنده می‌ماند. مبالغی بحث کردیم.

بعضی‌ها معتقد بودند که امام عمل کند. بعضی دیگر می‌گفتند اگرچه عمل خطر دارد امّا یک راه عاقلانه و قابل‌قبول است. اگر بعداً از خودمان سؤال کنیم که امام را می‌شد عمل کرد، چرا عمل نکردیم، هیچ جوابی پیش خودمان نداریم. بالاخره در آن جلسه فکر غالب این شد که امام عمل کند. خب، حالا ما که تصمیم‌گیر نبودیم، خود امام تصمیم‌گیر بود.

حاج احمد آقا همان شب یا روز بعد یا شب بعد آن آمد و گفت امام قرص و محکم گفته‌اند: «من عمل نمی‌کنم. دکترها بگویند، آقایان بگویند هم عمل نمی‌کنم.». یک شب خدمت امام رفتیم.

آن شب برای این قضیّه نرفته بودیم بلکه جلسه رؤسای سه قوّه بود و وقتی جلسه منزل حاج احمد آقا می‌افتاد امام هم می‌آمدند و شرکت می‌کردند. امام آمدند و من ناگهان به ذهنم رسید که چیزی به امام بگویم. به امام گفتم: «من معتقدم جسم شما از سنّتان جوان‌تر است. شما در این سن که الان هستید، ریه‌هایتان سالم است، معده‌تان سالم است، خونتان مشکلی ندارد و سالم است، گوشتان سنگین نیست، چشمتان ضعیف نیست، راه که می‌روید زانوهایتان نمی‌لرزد؛ هیچ مشکلی ندارید. این جسم از این سن بیست سال جوان‌تر است. فقط یک اشکال کوچک وجود دارد و آن اینکه قلب شما نمی‌تواند این جسم سالم را درست اداره کند. اگر فرض کنیم که عمل جرّاحی با درصد قابل‌قبولی از نَجاح و موفّقیّت روی این قلب انجام بگیرد تا این امکان به این جسم داده بشود که برای امّت اسلامی بیست سال دیگر کار کند، به نظر شما چطوری است؟».

امام در آخرین روزهای حیات خود، نگران این بودند که کار بازنگری قانون اساسی در زمان حیات ایشان تکمیل نشود و لذا در همان ملاقات به آقای هاشمی فرمودند: «تا من زنده‌ام بازنگری قانون اساسی را تکمیل کنید.»

این حرف، عجیب اثری روی امام گذاشت. حرف خیلی برای ایشان تازه بود. پیدا بود. دیدم ایشان همین‌طور ماندند و جوابی ندارند. حاج احمد آقا خیلی خوشحال شد از اینکه دید مثل اینکه آثار قبول در امام پیدا شده. امامی که قرص و محکم می‌گفت عمل قلب نمی‌کنم، پیدا بود که دیگر به آن قرص و محکمی نیست. بعد گفتند حالا ببینیم و تمام شد. ما خاطرجمع شدیم که امام آماده شده‌اند برای اینکه عمل کنند.

مدّتی گذشت، ظاهراً نظر دکترها عوض شد و عمل بالاخره از آن فوریّت افتاد. یک بار حاج احمد آقا مجدّداً گفت که یک جلسه‌ای بگذارید راجع به امام. ما فکر کردیم که همین مسئله عمل قلب امام است.

دیدم حاج احمد آقا خیلی ناراحت و متأثّر است. گفت دکترها تشخیص داده‌اند که امام سرطان دارد. گفتیم چه اتّفاقی افتاده؟ معلوم شد که در همین یکی دو روزه امام علامتی دیده‌اند و به دکتر گفته‌اند و دکتر گفته باید فوراً معده را معاینه کنیم و بالاخره به این نتیجه رسیده‌اند که سرطان است.

پرسید: حال چه‌کار کنیم؟ عمل کنیم یا نکنیم؟ گفتم حالا به خود امام گفته‌اید یا نه؟ ظاهراً هنوز به خود امام نگفته بودند که چنین چیزی هست. شاید هم خود امام حدس زده بودند.

از آن روز تا وقتی‌که امام رحلت کردند، بیست روز هم نشد. هفت هشت روزی از آن روز بیشتر نگذشت که قرار شد امام را عمل کنند. آن روز صبحی که بنا بود امام را عمل بکنند، من خیلی ناراحت و منقلب و متأثّر بودم که نتیجه این عمل چه می‌شود. تفأّلی به قرآن زدم و یادداشت کردم. چون آقا مصطفی و آقا مجتبی خیلی جوان‌های باخدایی بودند من به دعای آنها خیلی اعتقاد داشتم. حیفم آمد. گفتم امام را از دعای این جوان‌های سالم و صالح و خوب محروم نکنم. خواستمشان. آهسته گفتم ممکن است فردا برای امام یک قضیّه‌ای پیش بیاید، جرّاحی‌ای باشد، امشب حتماً برای امام دعا کنید.»[1]

روز سه‌شنبه دوّم خردادماه عمل جرّاحی معده امام با موفّقیّت انجام شد و دفتر امام، طیّ اطّلاعیّه‌ای ضمن اعلام خبر این جرّاحی، حال ایشان را رضایت‌بخش توصیف کرد.

حاج احمد آقا خمینی دو روز پس از عمل، با صداوسیما گفت‌وگو کرد و به تشریح جریان عمل امام پرداخت: «یکی دو روز پیش در دستگاه گوارش امام خون دیده شده بود. پزشکان معالج پس از مشورت‌های لازم به این نتیجه رسیدند که برای بهبود سریع و بهتر ایشان باید عمل جرّاحی انجام شود. مسئله را با ایشان در میان گذاشتند، ایشان هم قبول کردند و فرمودند هرچه صلاح می‌دانید انجام دهید. در پی این قضیّه، با فراهم شدن مقدّمات کار صبح سه‌شنبه عمل جرّاحی انجام شد که بحمدالله بسیار خوب انجام شده و در آینده وضعیّت امام بهتر هم خواهد شد.»[2]

تلویزیون همزمان با پخش مصاحبه حاج احمد آقا، تصاویری از حضرت امام پخش کرد که روی تخت بیمارستان بستری بودند و در تصویر دیگری کنار تخت به ذکر و نماز مشغول بودند.

موفّقیّت این عمل، موجی از خوشحالی را در دل پیروان امام ایجاد کرد. با دعوت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از مردم، مسئولین و علما، مراسم شکرگزاری در روز چهارشنبه سه خرداد در مسجد امام بازار تهران برگزار شد و در سراسر کشور مراسمات شکرگزاری و دعا به درگاه الهی برای سلامتی کامل امام برگزار شد.[3]

جمعه پنجم خردادماه آقای هاشمی رفسنجانی نزد امام رفت و از ایشان خواست اگر پیامی برای مردم دارند بگویند. امام فرمود: «از قول من به مردم سلام برسانید و بگویید دعا کنید که خدا من را بپذیرد، دعا کنید که خدا من را ببرد.»[4] وقتی آقای هاشمی سخن امام را با حاج احمد آقا در میان گذاشت و گفت بیان آن مردم را ناراحت خواهد کرد، حاج احمد آقا آن را با امام مطرح کرد. امام فرمود: «خیلی خب. اگر می‌بینید مردم ناراحت می‌شوند، بگویید اگر ان‌شاءالله خوب شدم و بیرون آمدم، خودم جواب محبّت‌های شما را می‌دهم.»[5]؛ که آقای هاشمی همین را در خطبه‌های نماز جمعه بیان کرد.[6] امام در آخرین روزهای حیات خود، نگران این بودند که کار بازنگری قانون اساسی در زمان حیات ایشان تکمیل نشود و لذا در همان ملاقات به آقای هاشمی فرمودند: «تا من زنده‌ام بازنگری قانون اساسی را تکمیل کنید.»[7]

پانوشت‌ها:

۱- مرکز اسناد دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی)
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۶۸/۳/۴
۳- جراید، ۱۳۶۸/۳/۴
۴- حمید بصیرت‌منش، فصل صبر، ص ۱۷
۵- همان
۶- روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۶۸/۳/۶
۷- اکبر هاشمی رفسنجانی، بازسازی و سازندگی: خاطرات سال ۱۳۶۸، ۴ و ۵ خرداد

نیازمندی های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ - ۳۳۱۱۳۵۱۹ - ۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۲ - ۳۳۹۱۱۵۶۸ - ۳۳۱۱۹۲۳۶ - ۳۳۱۱۲۱۹۵ - ۳۳۱۱۲۱۹۳ - ۳۳۱۱۲۲۹۱ - ۳۳۱۱۳۰۸۵ - ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ - شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ - اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ - چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ - شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ - مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ - شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳ - کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ - دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

استخدام

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک افق
خرید-فروش-رهن-اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا- لکسوس (بازار)
۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰ - ۳۳۹۹۰۰۱۷

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

بنایی و خدمات ساختمانی

فلاشینگ نما زکریا
تهیه و اجرای فلاشینگ نما
و ورق فلزی ۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲
و ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

ایزوگام-قیرگونی
آسفالت
۰۲۱-۲۲۵۹۸۵۵۳
۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز (سند مالکیت) و سند کمپانی و کارت شناسایی وانت نیسان مدل زامیاد_ون مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۴۴ ۸۸۸۶ ایران ۴۳ وشماره موتور ۲۹۹۱۰۶ وشماره شاسی D۹۶۶۷۹ به نام سجاد صادقی به کد ملی ۱۱۶۰۲۵۷۱۷۵ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین شهر.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پراید جی تی ایکس‌ای مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ۲۷ی۲۱۸ ایران ۲۳ وشماره موتور ۱۸۴۴۴۴۹ وشماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۰۲۶۸۸۱ به نام سمیه اسفندیاری به کدملی ۱۱۷۱۲۵۷۱۷۱ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین شهر.

برگ سبز پیکان وانت مدل ۱۳۸۵ شماره انتظامی ۷۷۶ل۲۱ ایران ۳۰ شماره موتور ۱۱۲۸۴۰۹۰۱۴۲ شماره شاسی ۱۲۱۶۶۳۷۲ بنام حمیدرضا مختاری میانجی مفقود و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. بوبین زهرا

برگ سبز خودروی سواری پراید SE۱۳۱، مدل ۱۳۹۵، به شماره انتظامی ۸۳۸ د ۲۱ ایران ۷۶، شماره موتور M ۱۳/۵۷۱۱۵۰۴ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۳۶۱۱۷۸۰ از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (سند مالکیت) و سند کمپانی و کارت شناسایی مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۳۹ط۳۱۳- ایران ۷۳ به رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۸۹ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۳۰۹۰۱ و شماره شاسی NAACC۱CF۰AF۴۳۱۳۸۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پراید ۱۳۲ به شماره انتظامی ۶۶۹ م ۷۶ ایران ۴۱ به شماره موتور M۱۳/۵۸۰۱۹۷۱ و شماره شاسی ۱۲۱۰۹۹۴ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری سیتروئن زانتیاSX به شماره انتظامی ۱۳۸ب۱۱ ایران ۷۳ مدل ۸۸ موتور۸۴۲۱۳ شاسی S ۱۵۱۲۲۸۸۱۸۰۵۴۷ به نام محسن مینائی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سندمالکیت خودرو سواری سایپا، مدل ۱۴۰۱، به شماره انتظامی ۸۲۹ د ۶۹ ایران ۷۶، شماره موتور ۱۵M/۹۵۸۰۴۴۵ و شماره شاسی NAS ۸۳۱۱۰۰ N ۵۷۸۷۸۴۸ از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری هاچ‌بک پژو MT-۲۰۷۱ به شماره پلاک ۶۹۳ ی ۸۲- ایران ۱۴ به رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۰ و شماره موتور ۱۶۷B۰۱۱۵۹۴۶ و شماره شاسی NAAR۰۳FEXMJ۴۱۲۱۸۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس آی ۱/۸ به شماره پلاک ۱۸۴ ی ۹۹- ایران ۱۴ به رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۸۳ و شماره موتور ۱۲۴۸۳۰۷۴۶۸۷ و شماره شاسی ۸۳۰۳۴۳۲۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژو PARS TU۵ به شماره پلاک ۹۵۳ ی ۲۷- ایران ۳۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۸ و شماره موتور ۱۶۴B۰۲۲۳۱۴۴ و شماره شاسی NAAN۱۱FE۲KH۵۲۰۷۰۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا SL۱۴۱ به شماره پلاک ۲۸۷ و ۷۹- ایران ۱۴ به رنگ بژ- متالیک مدل ۱۳۹۰ و شماره موتور ۴۱۱۹۷۸۷ و شماره شاسی S۳۴۸۲۲۹۰۳۴۶۲۹۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت الفتا CDI ۱۲۵CC به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۷ و به شماره پلاک ۲۵۴۳۱- ایران ۱۱۵ و به شماره موتور AFC۱۰۹۶۰۹ و به شماره تنه NDS***۱۲۵A۸۷۲۲۰۳۲ به مالکیت محمد اسدی دارای کد ملی ۰۷۹۲۴۸۳۳۰۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۷ پانوراما مدل ۱۴۰۲ شاسی NAAR۰۳HFFPDB۳۳۸۸۵ پلاک ۶۴۲ و ۳۷ ایران ۲۱ مفقود و فاقد اعتبار است.

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی می‌پذیرد

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.
- واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

قبول آگهی تلفنی
از ۸ الی ۱۸
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱ و فکس ۳۳۱۱۸۰۵۳

اسامی ۳ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام کودک: فریماه
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶
ارجاع دهنده: بیمارستان سوم شعبان

اسامی ۴ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام کودک: کمند
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۸
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام کودک: دیانا ریاحی کفترکاری
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۹/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام کودک: سلین سمائی کورعباسلو
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۵/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۰
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام کودک: نوا
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی ملارد

نام کودک: امیرحسین
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۱/۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲
ارجاع دهنده: بیمارستان امام حسین (ع)

نام کودک: امید
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۹/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰
ارجاع دهنده: بیمارستان مادران

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۲

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۳۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۸/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۹۶/۰۰۰/۰۰۰	۴۸/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۰۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۹۶/۰۰۰/۰۰۰	۴۸/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۰۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۱۶/۶۴۰/۰۰۰	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰
مجله زن روز	۱۶/۶۴۰/۰۰۰	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰	۲/۰۸۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۱/۲۸۰/۰۰۰	———	———

توجه

۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام قرار داده به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا

نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس: .....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....

شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱ — امور مشترکین موسسه کیهان